

۹۱
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، شکر فراتقدر و طعم
نفسی من میدوی ،
۲۰۰

سپس از رفتنت
بید قطره امید سبز باز رفتنت ایستادم

تاج بستم و بر پایم

تا در نبودت صدایت را

از صد نفوس فامی

که از دوری جنت

با دغا گرفته ام

سینوم و با او بخوانم

حقه شیبی نه شیبی نیست با من

سپس از رفتنت ، زلال نفاقت را به من بسیار

تا در نبودت همواره دستم در دستت

بیا عزم مستی را ، مستی نیز نمی آید از غم

سپس از رفتنت دستم را بگیر و نگر برام بخوان

تا تا ابد زنده بمانم

و به انتظار دلم فوی با سر

می-
زینا تو
xxx